



این گزارش با توجه به گفته‌های یک رفیق کارگر از شیراز نوشته شده که بدین ترتیب از وی تشکر می‌کنیم .

گزارش کوتاهی در مورد وضعیت کارگران شرکت نفت

در شرکت نفت واحدهای پیمانکاری و به‌طور کلی ، بخش خصوصی از زمان شروع به کار رفسنجانی به عنوان رئیس جمهوری ایران بصورت محسوس پا به عرصه وجود گذاشت . در آن زمان عملاً استخدام رسمی در شرکت‌های دولتی به فراموشی سپرده شد و دست سرمایه‌داران و بخش خصوصی برای دخالت بیشتر در این سازمان‌ها باز شد و به نوعی نظام سرمایه‌داری و پاسدارانش با روش جدیدتری به مکیدن خون طبقه کارگر مشغول شد .

تعداد کارگران و کارمندان واحد پیمانکاری در شرکت‌های تابعه شرکت نفت حدود 100 نفر به بالا است . بسیاری از این گروه‌ها با قراردادی جدید و ظالمانه و شرایط بسیار بد ، از نیمه دوم سال 88 مشغول و بهتر است بگوئیم مجبور به کار شده‌اند . متأسفانه تمام مزایایی که امروزه به دیگر پیمانکاران تعلق می‌گیرد از قرارداد ایشان حذف شده که خود به وضعیت بد این گروه دامن زده . پایه حقوق پایین حتی کمتر از سال گذشته ، حذف آیتم‌هایی که خود به بالا رفتن حقوق آنها اثر می‌گذاشت از فیش حقوقی‌شان ، کاهش ساعات اضافه‌کاری و مبلغ مربوط به آن ، به طور کل کاهش مبلغی بالا از حقوق دریافتی ایشان را رقم زده .

البته این را هم باید اضافه کرد که بخشی دیگر از کارگران قرارداد موقت این شرکت هم هستند که قراردادی جدای از دیگران دارند و نسبت به دسته بالا از وضعیت بهتری از نظر قرارداد و نوع آن برخوردارند. هرچند فرق و تفاوتی در اصل قضیه که همان استثمار طبقه کارگر توسط بخش خصوصی و نظام سرمایه داری است، نمی‌کند.

قراردادی موقت از نظر تقسیم و نوع قرارداد خود به چند بخش مختلف تقسیم میشوند ۱- نوع تقریباً خوب 2- نوع متوسط 3- نوع پایین

این گروه از کارگران و کارمندان قرارداد موقت شرکت نفت چیزی حتی کمتر از آنچه که بیمه تامین اجتماعی برای پایین‌ترین رده شغلی به عنوان دستمزد روزانه در نظر گرفته است هم کمتر مزد دریافت می‌کنند که این خود ظلمی است آشکار بر نیروی کار فعال شرکت نفت.

بخش پیمانکاری فقط به قسمت کارمندان خلاصه نمی‌شود بلکه که بخش خدماتی شرکت را هم شامل می‌شود. کارگران خدماتی که در این بخش مشغول به کارند مظلوم‌ترین کارکنان این شرکت به حساب می‌آیند. گروهی که از نظر حقوق و مزایا در پایین‌ترین سطح قرار دارند. ضمن اینکه ساعت کاری زیادتری نسبت به دیگران دارند. به ظاهر مثل دیگران هستند از نظر ساعات کاری، ولی در عمل شروع به کار این گروه از شش صبح تا شش یا هفت بعد از ظهر است. یعنی چیزی حدود سیزده ساعت کار با دستمزدی پایین‌تر از تمام کارکنان و کارگران.

افراد زیادی در بخش‌های مختلف این شرکت مشغول به کارند. از قسمت خدماتی و دفتری گرفته تا بخش‌های فنی و مخابراتی و زیرساختی دیگر که خود از نظر کاری و اهمیت آن در سطوح مختلفی هستند و کارها و بخش‌های مختلفی را شامل می‌شوند.

گرچه سعی شده در قانون باید ایمنی کارگران محیا شود ولی به طور کل می‌توان گفت اینکار انجام نشده. از نظر موقعیت و محل انجام شغل گرفته تا وضعیت داخلی ساختمان‌های مورد نظر استانداردهای لازم در هیچ جایی وجود ندارد.

از لحاظ داشتن انجمن اسلامی، نماینده کارگری و صنفی در شرکت نفت می‌توان گفت این نهادها وجود غیر محسوس دارند. بطور کلی اینها از حقوق کارفرمایان دفاع می‌کنند و نه از حقوق کارگران. ولی در شرکت‌های تابعه وجود چنین ساختاری بطور کلی مشاهده نمی‌شود.

پرواضح است که وقتی حقوق کارگر با ترفندهایی که قبلاً ذکر شد زیر پا نهاده می‌شود، جلوی ایجاد چنین نهادها و شوراهای صنفی گرفته می‌شود و عملاً وجود این سازمانها خالی از معنای واقعی است.

متأسفانه همیشه از وجود چنین سازمان‌هایی در این شرکت و شرکت‌های تابعه آن برای احقاق حق کارگران و کارمندان جلوگیری شده و علت آن را هم با بهانه‌های واهی به باد فراموشی می‌سپارند.

در کل در نظام سرمایه‌داری اسلامی حاکم بر ایران به هیچ‌یک از حقوق انسانی ارزش داده نمی‌شود و می‌توان گفت تمام مردم از پایین‌ترین سطح حقوق انسانی و اجتماعی نیز برخوردار نیستند. در این میان کارگران از دیگر اقشار جامعه بیشتر زیر ظلم و تحت ستم هستند. حقوق کارگر در این میان بطور کلی وجود ندارد. آنچه که مهم و حائز اهمیت است استثمار هرچه بیشتر کارگر و افزودن بر ثروت می‌باشد.

وضعیت حقوقی کارگران رسمی نسبتاً بهتر از کارمندان قرارداد موقت است. حقوق در بخش‌های مختلف خصوصی و دولتی در بین کارگران قرارداد موقت و رسمی فرق چشمگیری دارد اما با این حال می‌توان گفت که مزد همه‌ی آنها زیر خط فقر است.

ساعات کار طبق قانون کار است از ساعت 8 صبح تا ساعت 4 بعد از ظهر. البته در بعضی واحدها ساعات بیشتری هم در شبانه روز به عنوان ساعات کاری در نظر گرفته می‌شود که شیفتی است.

این را هم باید اضافه کرد که ساعاتی هم به عنوان ساعات اضافه کار در نظر گرفته شده است. در سال‌های اخیر از میزان آن به بهانه کمبود بودجه از ساعات کاری کسر شده است (آنچه که باید ذکر کرد این است که بسیاری از این اضافه‌کاری‌ها نیاز ضروری کاری نیست ولی با توجه به پایین بودن دستمزد و حقوق به ناچار کارگران مجبورند که

ساعات بیشتری را بدون نیاز ضروری در محل کار بمانند به این علت که میزان درآمد و مزد دریافتی ایشان کمی بالاتر برود).

مسئله مهمتر وضعیت درآمدی پایین بخش خدماتی و کارگران این بخش است که نسبت به دیگران با ساعات کاری بیشتر ولی درآمد کمتر مواجه هستند که هنوز هم این وضعیت وجود دارد و هر روز نسبت به روز قبل بدتر می‌شود.

در مورد اعتراضات نسبت به همه آنچه که زایل شدن حقوق نامیده می‌شود باید گفت اعتراضات در شهرهای بزرگ کماکان انجام می‌شود و عمده اعتراضات مهم در جنوب کشور و مناطق نفتی انجام می‌گیرد. بماند که هر اعتراض کوچک کارگری با هجوم نیروهای اطلاعاتی و پلیس سرکوبگر سرمایه‌داران سرکوب می‌شود.

متأسفانه اعتراضاتی که در شهرهای بزرگی چون تهران انجام می‌شود به دلیل ناهماهنگی و نداشتن تشکل‌های کارگری و متشکل نبودن کارگران و عدم اتحاد و پراکندگی‌شان برای اعتراض‌های هدفدار و تشکل یافته و شاید بتوان گفت از ترس از دست دادن تنها منبع درآمدشان و گرسنه ماندن خانواده‌شان به شکست می‌انجامد و هیچ نتیجه مثبتی ندارد. کارگران باید متشکل شوند و با اتحادشان است که می‌توانند حقوق و مطالباتشان را از سرمایه‌داران بگیرند.

به هر حال صنعت نفت ایران تنها جایی نیست که هرگونه اعتراضی در بدو تولدش با سرکوب و دستگیری و شکنجه و زندان خاموش می‌شود. همگی می‌دانیم که چه در زمان رژیم شاه و چه در سه دهه حاکمیت جمهوری اسلامی هر اعتراض کوچک کارگری که حتی برای اعتراض به دریافت حقوق هم باشد به شدیدترین صورت ممکن سرکوب شده و تا زمانی که این نظم پوسیده باقیست استثمار کارگران نیز باقی خواهد ماند و تنها راه رهایی کارگران از استثمار، سرنگونی تمام و کمال نظام سرمایه‌داری حاکم و برقراری حکومت کارگران است که در آن همه بطور مستقیم در تعیین سرنوشت خود دخیل هستند و آزاد و در رفاه زندگی کنند.

تحقیق و گردآوری: **توماج**

کانون دوستداران کارگران سوسیالیست

<http://kargaranesocialist.wordpress.com>

Facebook: Kanone Dostdaran

kanonedostdaran@gmail.com